

باسمه تعالی

**ویژه خواری برای چه کسانی بد نیست؟!**

حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> در عهدنامه خود به مالک اشتر این گونه توصیه می کنند: کسی را در بین آنها انتخاب کن که سخن حق را هر چند تلخ باشد، بگوید و در هر آنچه انجام می دهی یا می گویی و خدا آن را از دوستانش نمی پسندد کمتر یاری ات کند و کمتر تو را بستاید در حالی که چنین کاری در اثر هوای نفس تو واقع می شود در هر جا که باشد.

بدون شک تنها وجود ایدئولوژی بر ساختار اداره هر جامعه ای، تضمین کننده عمل و رفتار مسئولان حکومتی بر اساس آن چهارچوب و بایدها و نبایدها نیست. در هر جامعه ای به صرف این که رفتاری از سوی مسئولین حکومتی دیده شد، روشن است که نمی تواند بدون درنگ رفتار حاضر را مبتنی بر اصول پذیرفته شده آن جامعه دانست. موضوعی که در حکومت های غیرسکولار و پیوند خورده با ارزش های دینی، حساسیت بیشتری دارد؛ چرا که در چشم آحاد مردم، رفتار حاکمیتی مهم ترین مصداق رفتار دینی است که ادعای توانمندی ورود در عرصه های اجتماعی و حکومتی را دارد. موضوعی که در استفتائات رهبری معزز نیز یافت می شود که فرموده اند پخش موسیقی از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی دلیلی بر حلیت آن نیست. تنقیح مناظ در موضوع این فتوا اجازه تسری حکم آن به سایر موضوعات را خواهد داد.

در چند سال اخیر اتفاقی در وزارت علوم دولت اصول گرا که ادعای مبارزه با بی عدالتی و تبعیض را دارد افتاد که بهت و حیرت برخی از جامعه دانشگاهی مطلع از چستی موضوع را به همراه داشت: بورس داخل و شکل جدید آن بورس خارج و تبدیل آن به داخل! البته موضوع اعطای بورس تحصیلی از طرف وزارت علوم به دانشجویان، منحصر به این دولت نبوده و دولت اصلاح طلب سابق نیز در این زمینه سابقه دارد. قصد نوشتار حاضر بازخوانی و نبش قبر عملکرد دولت های اصلاح طلب نیست. چرا که طبیعی است که حساسیت ها و واکنش ها نسبت به دولتی که قرائتش از حکمرانی و اداره کشور ربط و نسبت بیشتری با اهداف حکومت اسلامی دارد، بیشتر باشد. لذا اگر چه کلیات این رفتار در هر دو دولت یکسان است، اما عیب بودن آن برای دولتی که شعارش عدالت و رفع تبعیض است دوچندان خواهد بود.

اما قبل از این که عملکرد این سیاست اتخاذ شده را به نقد و بررسی بگذاریم، لازم است مروری اجمالی بر فرآیند بورس تحصیلی اعطایی وزارت علوم داشته باشیم. معیارهای پذیرش دانشجویان متقاضی بورس خارج در دو دسته معیارهای عمومی و اختصاصی قرار داده شده است. تنها شرط معیار عمومی حداقل معدل است. شرط معدلی که به نظر نمی رسد ضعیف ترین و بی سوادترین دانشجوی علوم انسانی نتوانسته باشد آن را کسب کند: حداقل معدل ۱۴ مقطع کارشناسی و ۱۶ مقطع کارشناسی ارشد!

اما سخن اصلی بحث بر سر ملاک ها و معیارهای اختصاصی است که عنوان شده داشتن تنها یک شرط از این معیارها برای متقاضیان کافی است: رتبه اول تا سوم فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد، دانشجوی نمونه کشوری، داشتن کتاب، داشتن یک مقاله پژوهشی، مجری طرح های پژوهشی، مخترع و مکتشف، برگزیده جشنواره خوارزمی و ...، ارائه سبک های هنری کاربردی، مریبان. تا به اینجا به نظر می رسد معیارها خیلی هم غیر علمی نیستند. اما معیار آخر است که دقیقا محل تامل و تردید در باب فلسفه چنین قانونی است: افرادی که دارای خدمات و سوابق برجسته در زمینه های ایثارگری، فرهنگی و اجتماعی می باشند!!!

به نظر موضوع عادلانه بودن بورس دکتری وزارت علوم بیش از آنکه به بحث و منطق نیاز داشته باشد، به انصاف و وجدان نیاز دارد. اما دو سوال ساده در مورد فرآیند این نحوه پذیرش: نخست این که آیا تمامی دانشجویان از سومین راه ورود به مقطع دکتری مطلعند؟ در خصوص روش اول که آزمون سراسری است همه دانشجویان کارشناسی ارشد اطلاع دارند. به نظر می رسد در مورد روش دوم که استعدادهای درخشان بوده و هر دانشگاهی به صورت مجزا فراخوان می دهد نیز آگاهی کافی وجود داشته باشد؛ ضمن این که چون شرایط روش دوم مبتنی بر سوابق علمی و پژوهشی است، غالبا افراد کمتری شرایط آن را دارند. اما روش جدید چطور؟ اگر در پژوهشی میدانی از دانشجویان کارشناسی ارشد متقاضی ادامه تحصیل در مقطع دکتری، در خصوص بورس دکتری سوال شود، غالبا اظهار بی اطلاعی می کنند. (بنده این کار را در حجم محدودی انجام داده ام و نتیجه آن عدم اطلاع صد در صدی نمونه بود) آیا این روش جذب دانشجوی عادلانه به نظر می رسد؟ به نظر شما فکر می کنید چند درصد دانشجویان کارشناسی ارشد این ملاک های حداقلی (مخصوصا با توجه به ملاک اخیر شرایط اختصاصی!) را نداشته باشند؟! اما چرا ثبت نام متقاضیان به چند هزار نفر (تا آنجایی که شنیده ام ۴۰۰۰ نفر) محدود شده است؟ (توجه بفرمایید این ۴۰۰۰ نفر کسانی هستند که ثبت نام کرده اند، نه کسانی که دعوت به مصاحبه می شوند)

اما مرحله دوم و دریافت تاییده است. تا آنجایی که بنده اطلاع دارم دریافت این تاییده تنها توسط افراد و سازمان های خاصی ممکن است و این یعنی بی عدالت. چرا که فرضا دانشجویی در یکی از دانشگاه های آزاد در یکی از شهرستان ها بسیار موفق بوده اما به دلیل عدم دسترسی به اشخاصی که بتواند صلاحیت وی را تایید کند، از این امتیاز محروم می ماند. یکی از شیوه های تایید که بنده با آن آشنا هستم به این شکل است که فرد تایید کننده بدون این که حتی کمترین شناخت را از متقاضی داشته باشد، به صرف این که وی دانشجوی دانشگاه خاصی است و ایشان استاد آن دانشگاه، برای دریافت تاییده کفایت می کند. اما باز همان سوال تکراری: آیا این بی عدالتی و ویژه خواری نیست؟ اتفاقی که باعث شد تا از بین ۴۰۰۰ نفر ثبت نام کننده، ۱۲۰۰ نفر دعوت به مصاحبه شوند. ملاک این تایید یا عدم تایید چه بوده است؟ دسترسی داشتن به مراکز تایید کننده یا صلاحیت!!!

اجازه دهید کمی هم در مورد نتایج صحبت کنیم. دانشجویان بورسیه وزارت علوم، بعد از اتمام تحصیل به عنوان هیات علمی دانشگاه استخدام خواهند شد (بدون هیچ دغدغه ای) و به عنوان استاد و مدرس دانشگاه مشغول به خدمت خواهند شد. خوب سوالی که قابل طرح است این است که قاعده بر این است بهترین افراد به عنوان اساتید دانشگاه های دولتی به کار گرفته شوند، چون بهترین دانشجویان ایران غالبا در دانشگاه های دولتی هستند. آیا سیستم حاضر تضمینی می دهد که ۳۰۰ دانشجوی بورسیه شده و استاد آینده<sup>۱</sup> بهترین افراد هستند؟ آیا نظام شایسته سالاری که به نفع نظام و آموزش عالی کشور است تناسبی با باز کردن مسیر ویژه برای عده ای که واقعا سواد علمی آنان در فرآیند بورسیه شدن محک نمی خورد، دارد؟ روشن شدن پیامدهای ورود این افراد به بدنه آموزش عالی کشور نیازمند زمان است. موضوعی که شاید شیوع عوارض آن در نظام دانشگاهی نه تنها مقطعی و زودگذر نباشد، بلکه سنت و روشی گردد که آثارش در زمان آینده روشن خواهد شد:

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس از بندگان خدا که سنتی نیکو و شایسته نهاد برای او برابر پاداش همه آنان که بدان سنت عمل کنند اجر و پاداش خواهد بود بدون اینکه از ثواب احدی از آنها چیزی کاسته شود، و هر کس کاری زشت را بدعت نهاد کیفر و جزای او برابر است با کیفر و جزای همه آنان که بدان عمل کنند بدون اینکه از عقوبت و جزای احدی چیزی کاسته گردد. (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۵۹)

در این روایت یکی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام از ایشان سوال می پرسند که آیا بعد از مرگ چیزی به انسان (از خیر و شر دنیا) می رسد؟ ایشان در پاسخ می فرمایند: سنتی که فرد آن را از خود به جای بگذارد و بعد از مرگ ثواب و پاداش هر کسی که به آن عمل کند، برای خود او نیز خواهد بود بدون این که از پاداش و اجر عاملان به آن کاسته شود. در ادامه امام برخی از مصادیق آن را بیان می فرمایند که به صدقه جاریه و فرزند صالحی که بعد از مرگ والدینش برای آنها دعا می کند و برای آنها حج می گذارد و صدقه می دهد و هم چنین برای آنها بنده آزاد می کند و روزه می گیرد و نماز می گذارد اشاره می کنند. (وسائل الشیعه ج ۲، ص ۴۴۵)

هر توجیهی که پشت این بی عدالتی آشکار خود را پنهان کرده باشد، تنها با طرح یک استدلال غیرقابل قبول است و آن این که هیچ هدف مقدسی، استخدام هر نوع وسیله ای برای حصول آن را مجاز نمی کند و وسیله حاضر مصداق آشکار رانت و ویژه خواری است.

<sup>۱</sup> حتما توجه دارید غالب افرادی که از بورس خارج سال گذشته استفاده کردند، با قانون من درآوردی وزارت علوم به بورس داخل تبدیل نموده و همان روند بورس داخل را با ظاهری دیگر ادامه دادند. تنها تفاوتی که در سال گذشته و امسال افتاده این است که عده ای بی خبر تصورشان این است که بورسیه دولت برای خارج از کشور است نه داخل و اصلا پی گیری برای ثبت نام و استفاده از آن نمی کنند. این گونه مخفی کاری ها و عدم شفافیت ها نظریه اعطای رانت در قالب قانون (!) به عده ای خاص را تایید می کند.

با وجود این توصیفات، باز عقل ابزاری و منفعت طلب حکم می کند که از بورس خارج وزارت علوم و در نهایت تبدیل آن به داخل استفاده کنم:

➤ نیازی به زحمت و تلاش برای افزایش ارتقای علمی خود ندارم؛ چون بر خلاف سایرین که از این ویژه خواری محرومند، به قطع و یقین به عضویت هیات علمی یکی از دانشگاه های دولتی در خواهم آمد؛ در حالی که دیگران باید در طول دوران تحصیل دکتری تمام تلاش خود را برای افزایش توانمندی های خود داشته باشند تا در رقابت با دیگران (با فرض عدم وجود ملاک های غیرعلمی در این رقابت) بتوانند کرسی تدریس در دانشگاهی را به دست آورند. جالب اینجاست نفر اول آزمون دکتری اگر در دوران تحصیلش خوب درس نخواند، هیچ تضمینی برای جذب شدن به عنوان هیات علمی برای او نیست؛ اما برای بنده وجود دارد.

➤ به جز تعداد محدودی که در دانشگاه های دولتی از طریق آزمون موفق به قبولی می شوند، سایرین باید در دانشگاه های شبانه، غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد تحصیل کنند که همه اینها مستلزم پرداخت هزینه های سنگین در قالب شهریه است. چون نتوانسته ام جز اقلیتی باشم که از طریق آزمون به دانشگاه های دولتی راه می یابند، بهترین راه برای فرار از هزینه های سایر دانشگاه ها و ورود به دانشگاه های برتر ایران استفاده از بورس دکتری است.

➤ چون حتی برای انجام مصاحبه نیازی به زحمت و مطالعه ندارم. هم چنان که دانشگاه هایی بودند که در سال گذشته بدون مصاحبه (حتی به شکلی که حفظ ظاهر شود) کرور کرور دانشجوی بورسیه پذیرش کردند. اما به جز این موضوع چون موفق به دریافت بورس دکتری شده ام، دانشگاه های دولتی برای تامین هزینه های خود چاره ای جز پذیرش ما را ندارد؛ چرا که در غیر این صورت از کمک ۴۰ میلیونی وزارت علوم محروم خواهند شد.

➤ چون بدون هیچ دغدغه خاطری تامین مالی خواهم شد. در دوران تحصیل می توانم مشغول به کار شوم و در کنار آن از مزایای مالی بورسیه شدن مانند دریافت مقرری ها، هزینه کتاب سالانه، هزینه پایان نامه و ... استفاده کنم. یعنی در قبال امتیازاتی که دریافت می کنم، به جای آن که فعالیت علمی انجام دهم، کار برای کسب درآمد می کنم.

➤ چون اصلا نیازی به ثبت نام برای کنکور دکتری نیست، چه برسد به درس خواندن و تلاش کردن برای قبولی. وجود این مسیر ویژه برای ویژه هاست و اگر دیگران می خواهند راهی با مقطع بالاتر داشته باشند باید درس بخوانند.

➤ نیازی به پژوهش، تحقیق و نوآوری در مقطع ارشد ندارم. فعالیت در برخی از تشکل های دانشجویی و انجام فعالیت های فرهنگی محدود تضمین کننده آینده تحصیلی ام در مقطع دکتری و به دنبال آن آینده شغلی و درآمدی است.

اما نکته آخر. بر اساس یک قاعده فقهی اگر رفتار حاضر وزارت علوم ظالمانه باشد، هر گونه کمک و خدمت برای تسهیل این فرآیند حرام خواهد بود. این قاعده فقهی که حرمت اعانت بر اثم و عدوان را نشان می دهد می فرماید که افراد نباید هیچ تلاشی حتی در زمینه فراهم آوردن مقدمات چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم در کارهایی که مصداق اثم و عدوان هستند، داشته باشند؛ در غیر این صورت مرتکب فعل حرام شده اند.